

بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد

فریدالدین عطار و متیو لیپمن

مهین پناهی

چکیده

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است: آیا "آموزش تفکر" و شیوه آموزش دوسویه در میان بزرگان فرهنگ ساز ایرانی مغفول بوده است یا نظایری دارد؟ با بررسی و مقایسه ی شیوه ی گفتگوی دوسویه ی فریدالدین عطار در منطق الطیر با مؤلفه های "آموزش تفکر" متیو لیپمن مشاهده شد، شیوه ی آموزشی عطار در قرن هفتم به شیوه ی آموزشی متیو لیپمن در قرن حاضر بسیار نزدیک است. این مقایسه با تسامح از تعریف کودک در دیدگاه روان شناسان، که غالباً بین یک تا دوازده سال است؛ انجام شده است. تعریف کودک از دیدگاه عارفان، انسان خام و مبتدی است و به تعریف کودک P4c که "کودک، کودک است" نزدیک تر است. همان طور که عطار و لیپمن در موضوع آموزش (فلسفه) و هدف آموزش (ارتقای تفکر و اتخاذ تصمیمات آزادانه برای خود) مشترک هستند در شیوه ی آموزش آنها نیز وجوه اشتراک بسیاری مشاهده می شود. همچنین هر دو از قصه و گفتگو در شیوه ی آموزش خود بهره جسته اند و در روش هر دو، تعلیم تفکر و فلسفه موجب تغییر رفتار می شود.

کلیدواژه‌ها: متیو لیپمن، فریدالدین عطار، آموزش تفکر، شیوه ی آموزش دوسویه.

ضرورت وساطت هنر در آموزش تفکر فلسفی به کودکان

محمد رضا سوداگر - سید موسی دیباج - سید غلامرضا اسلامی

چکیده

برنامه آموزش تفکر فلسفی به کودکان، فبک، برنامه‌ای درجهت بهبود تفکر کودکان است. پیش‌گامان این برنامه ادبیات را، به‌علت کارکردها و خصوصیات نهفته آن، مناسب‌ترین شیوه ارتباط با کودکان دانسته‌اند و این در حالی است که ادبیات نیز جایگزین‌های دیگری پیدا کرده است؛ اکنون این فرض مطرح است که هنر، به‌عنوان جایگزینی دربرگیرنده ادبیات، به‌مدد ابزار و روش‌های گوناگون و با محتوای درونی، پاسخ‌گوی جایگاه بنیادین، نظری و عملی هنر در تفکر است. از این‌رو این مقاله هنر را میانجی دریافت خرد و یا همان تفکر معرفی می‌کند و با توضیح چگونگی میانجی‌گری هنر در آموزش تفکر فلسفی به کودکان، جایگاه هنر در فبک را با رویکردی نظری - تحلیلی بررسی و لزوم این میانجی‌گری را بیان می‌کند و نتیجتاً به دنبال این هدف

است تا هنرورزی با کودکان را، همراه فلسفه‌ورزی با آنان، به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، موضوعیت بخشد.

کلیدواژه‌ها: هنر، آموزش تفکر به کودکان، تفکر فلسفی، آموزش هنر.

آموزش فلسفه به کودکان در موزه های تعاملی علم

ملیحه صابری نجف آبادی

چکیده

در جهان امروز که سریعتر از هر زمان دیگر در حال پیشرفت است بهره گیری از رویکردهای جدید آموزشی، و به تبع آن، رسانه های جدید، محیط های یادگیری اشتیاق برانگیز و محتوای آموزشی فراتر از ساختارهای موجود ضروری به نظر می رسد. در این مقاله ضمن معرفی موزه های تعاملی، که بازدیدکنندگان از موزه ها را فراگیرانی می داند که از طریق تعامل با اشیا موجود در موزه به ساخت نظام دانشی خود کمک می کنند، به نسبت و رابطه آن با برنامه آموزش فلسفه به کودکان و اهداف و ارزش های مندرج در آن می پردازد. مقاله از این دیدگاه دفاع می کند که مبنای نظری طراحی و ساخت این موزه ها دید گاه ساختار گرایی و نظریه یادگیری اکتشافی بوده است. از نظر نگارنده در شرایط امروز جهان رو به تغییر و تحول فراگیران خود مشتاق اکتشاف و بازآفرینی هستند. عرضه مفاهیم انتزاعی ومنطقی از طریق بازی با دستگا ههای تعاملی در محیطی متنوع، چندرسانه ای و شوق انگیز برای تمام مخاطبین به خصوص نسل جوان آنان را به تفکر خلاق و اندیشه منطقی وا می دارد و در پرورش تفکر و روحیه استقلال که از اهداف اصلی آموزش فلسفه به کودکان است موثر است.

کلید واژه: یادگیری ساختار گرا، یادگیری فعال، موزه های تعاملی علم، دستگاه های نمایشی تعاملی، مهارت های فکری

بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان پایه های سوم تا پنجم ابتدایی
(۹-۱۱ ساله) دبستان علوی شهر ورامین

زهرا طباطبایی - مرضیه موسوی

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر پرورش توانایی پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان دختر پایه های سوم تا پنجم دبستان علوی شهر ورامین در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ بود. که از این میان تعداد ۳۴ نفر دانش آموز دختر (۱۷ نفر گروه گواه و ۱۷ نفر گروه آزمایش) به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده ها، از شیوه سنجش توانایی پرسشگری و آزمون سنجش تفکر انتقادی استفاده شد و

ضرایب اعتبار و پایایی آن محاسبه گردید. داده ها با استفاده از تحلیل مقایسه میانگین (T-test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پژوهش حاضر، مبتنی بر فرض تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش توانایی پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان دختر مقطع دبستان می باشد و برای بررسی فرضیه پژوهش از روش آزمایشی، پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. یک کارگاه ۱۰ جلسه ای (هفته ای یک جلسه) تشکیل شد و از روش کلاس داری به شیوه حلقه کندوکاو شارپ -لیپمن و از داستانهای فکری فلیپ کم و رابرت فیشر بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با روش حلقه کندوکاو می تواند بر پرورش توانایی پرسشگری و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر مقطع دبستان مؤثر واقع شده و تأثیر مثبتی بگذارد. نتایج این پژوهش با یافته های تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور هماهنگی دارد.

کلیدواژه : حلقه کندوکاو- پرسشگری- تفکر انتقادی- فلسفه برای کودکان

فلسفه ویتگنشتاین و برنامه فلسفه برای کودکان (P4C)

یحیی قانلی - سحرسلطانی

چکیده

در این نوشتار سعی بر این بوده تا به مولفه هایی از اندیشه فیلسوف تحلیلی ویتگنشتاین در دوره ی دوم تفکرش پرداخته شود، مفاهیمی که جایگاه نظری موجهی در برنامه فلسفه برای کودکان داراست. چهار مولفه مهم در این پژوهش «زبان»، «دیدن و توصیف»، «بازی های زبانی» و «معنا» می باشد. نگرش پراگماتیستی ویتگنشتاین دوم به این مقوله ها را می توان در ساختار و شاکله بندی برنامه ای کاربردی در عرصه تعلیم و تربیت واکاوی نمود. ماتیو لیپمن و همکارانش با طرح برنامه ای که کودکان را به تفلسف و پرسش ورزی آشنا می نماید به شکل کاملاً انضمامی پرداخت نوینی از این مولفه ها را آشکار نموده اند. با بررسی ویژگی ها و اهداف این طرح در چارچوب این مولفه ها می توان نگاهی انضمامی تر بین بنیان های نظری و عرصه های کاربردی طرح فلسفه برای کودکان جستجو نمود. سه سوال عمده در این پژوهش مطرح می شود. که با روشی تحلیلی- توصیفی درصدد پاسخ بدانها بر آمده ایم.

کلیدواژه : ویتگنشتاین دوم- معنا- بازی های زبانی- داستان- توصیف-ماتیو لیپمن - فلسفه برای کودکان

چکیده

در میان واکنش های هیجانی، بدلیل پیامدهای فردی و اجتماعی، پرخاشگری توجه بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان را به خود معطوف داشته است. علی رغم ابراز برخی رفتارهای پرخاشگرانه در سالهای ابتدایی تولد، اما کودک در طی فرایند رشد خود فرصتهایی برای یادگیری مهارت های نظارت بر هیجان و رفتار را خواهد داشت، که منجر به کنترل مناسب خشم و پرخاشگری می گردد. با این حال، عده ای از کودکان برای کسب این مهارت ها با شکست مواجه می شوند، در نتیجه سطوحی از پرخاشگری را در روابط میان فردی ابراز می کنند. در کنار خانواده، مدرسه مهمترین نهاد برای پرورش مهارت های اجتماعی کودک است. تحقیقات پیرامون دلایل پرخاشگری در کودکان، نشان داده که ناکامی در خود ابرازگری، قرارگرفتن در موقعیت هایی که کودک دچار دوگانگی و تضاد درونی می شود و همچنین فقدان کفایت در قوه استدلال میتواند از مهمترین عوامل باشند. بنابراین ایجاد جوی دوستانه و تفکر برانگیز که در آن گوش دادن به سخن کودکان یک ارزش محسوب می شود و منجر به ارتقای قدرت استدلال و داوری کودک می گردد، می تواند در پیشگیری از پرخاشگری بسیار کارساز باشد. مبدعان برنامه فلسفه برای کودکان، بر این باورند که پرورش قدرت تمیز، داوری و استدلال که برگرفته از همان تفکر منطقی و مستدل می باشد، می بایست از دوران کودکی و با شروع زندگی اجتماعی کودک صورت گیرد. بدین ترتیب برنامه "فلسفه برای کودکان" بعنوان رویکردی تأملی، در تلاش است با ایجاد فضایی موسوم به "حلقه کندوکاو" فرصت تقویت قدرت استدلال و داوری را برای کودکان فراهم سازد. می توان انتظار داشت که همزمان با تقویت قوای استدلال و منطق کودک از طریق گفتگوهای جمعی، بتوان پرخاشگری را در آنان کنترل نمود. نتایج تحقیقات متعددی اثرات مثبت این برنامه بر کنترل رفتارهای پرخاشگرانه را در کودکان نشان داده است.

کلیدواژه: پرخاشگری، قلدری، فلسفه برای کودکان، حلقه کندوکاو، همدلی

تبیین و نقد پژوهش های دانشگاهی آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آنها

مراد یاری دهنوی - عماد حاتمی

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی انتقادی پژوهش های دانشگاهی (پایان نامه و رساله) موضوع آموزش فلسفه به کودکان در ایران از منظر روش پژوهش و نتایج آنهاست و خود مقاله از نوع پژوهش های مروری و فرا تحلیلی کیفی است.

پژوهش‌های مروری و فرا تحلیلی کیفی به توصیف، تلخیص و ارزیابی نقادانه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع، از یک یا چند منظر خاص می‌پردازند. نتایج این نوع پژوهش‌ها از یک سو موجب معرفی کامل همه پژوهش‌های انجام شده درباره یک موضوع شده و باعث پرهیز از دوباره کاری می‌شود و از سویی دیگر با ترسیم توانایی‌ها و کاستی‌های این نوع پژوهش‌ها، افق‌های پژوهشی جدیدی را به روی پژوهشگران می‌گشاید. بنابراین سعی شده است با مراجعه به منابع اطلاعاتی دانشگاه‌های مختلف کشور، در حد امکان پژوهش‌هایی که به نحوی به این موضوع پرداخته‌اند، شناسایی شوند (۲۱ پژوهش)؛ آن‌گاه نخست مؤلفان، رشته تحصیلی، عنوان پژوهش، اهداف آن، چهارچوب پژوهش در فصل‌های آنها و تلخیصی از نتایج برخی از این پژوهش‌ها بیان گردد و سپس از دو منظر روش و نتایج پژوهش آنها مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. عدم بکارگیری روش پژوهش ساختارمند، ضعف جدی قسمت پیشینه پژوهش و عدم اطلاع کافی از پژوهش‌های انجام شده، عدم رعایت پاراگراف بندی منسجم و علمی در نگارش، عدم ارتباط ارگانیک میان پژوهش‌ها و انجام پژوهش‌های مشابه و تکراری، ضعف در نقدها و ... به همراه ترسیم برخی از زوایای ناکاویده این برنامه در ایران، از مهمترین یافته‌های این مقاله می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: پایان نامه - رساله - پرورش تفکر - آموزش فلسفه به کودکان